

باسمه تعالی

از

لُحْت شدن

تا

لَاحْت شدن

از لُخت شدن ، تا لُخت شدن

مقدمه

ورود روش‌های غلط به مراسم عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام ، باعث شده تا بزرگان دین بارها در این موارد تذکر دهند. یکی از این روش‌های غلط که در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته برهنه نمودن بدن در هنگام سینه‌زنی می‌باشد. این مقاله بر آن است تا با بررسی دلایل طرفداران انجام این عمل به تحلیل موضوع بپردازد.^۱

هدف دشمن منحرف کردن عزاداری است

بدون شک موجودیت دین اسلام و مکتب بر حق شیعه مرهون اباعبدالله الحسین علیه‌السلام است. سفارش بسیار زیاد و مؤکد اهل بیت علیهم‌السلام به زنده نگاه داشتن حماسه عاشورا که یکی از بهترین راه‌های آن سوگواری بر عزای آن حضرت است نیز به همین دلیل است.

حکومت‌های ظلم و جور از زمان بنی‌امیه تاکنون با برگزاری عزای حسینی مخالف بوده‌اند و همواره کوشیده‌اند تا یاد و نام آن حضرت را از اذهان محو کنند. رفتار خلفایی مانند متوکل عباسی با مزار مطهر آن حضرت و زائرین ایشان از نمونه‌های تاریخی است. در عصر معاصر هم ممنوعیت و مخالفت شدید با برگزاری هرگونه مجلس عزا در زمان رضا شاه پهلوی از دیگر نمونه‌های آن است. اما کسی نتوانسته و نمی‌تواند این چراغ هدایت را خاموش نماید.

۱. به دلیل کمبود فضا، عبارات عربی بسیاری از روایات را حذف نموده و در بسیاری از مثال‌ها فقط یک نمونه از آیات و روایات را ذکر نموده‌ایم. برای مطالعه متن کامل این مقاله به همراه تصاویر و فیلم‌های کوتاه از سخنان امام خامنه‌ای، بیان احکام و... می‌توانید به نشانی AbbasDavudi.ir مراجعه نمایید.

به همین دلیل دشمنان اسلام بر آن شده‌اند که این راه را منحرف نموده و عزاداری اباعبدالله الحسین علیه‌السلام را از محتوا خالی نمایند. در مقابل علمای اسلام نیز بر حفظ عزاداری از تحریفات و خرافات تأکید داشته‌اند.

حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه فرموده‌اند:

« ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرّم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می‌افتند، [باشیم؛] تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند... البته اگر یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی‌اطلاع از مسائل اسلام بوده، آن‌ها باید یک قدری تصفیه بشود.»^۱

علامه شهید حضرت آیت‌الله مرتضی مطهری نیز در این باره فرموده است:

« ذکر مصیبت‌ها باید محفوظ بماند، اما باید اصلاح شود. تحریفات در ذکر مصیبت‌ها الی ماشاءالله است. جعل، دروغ، وضع در این قضایا الی ماشاءالله است و این‌هاست که روزه‌ها و ذکر مصیبت‌ها را کم اثر کرده و آلا اصل روزه و ذکر مصیبت باید باقی بماند و مسئله امام حسین علیه‌السلام و اشک ریختن برای امام حسین علیه‌السلام و محرّم و عاشورا و تظاهرات برای محرّم و دسته بیرون آمدن، تمام این‌ها باید محفوظ بماند. ولی البته من نمی‌گویم حتماً باید به آن شکلی که از زمان قاجاریه معمول شده که بیشتر از قفقاز به این طرف آمده انجام شود و حتماً این‌ها هم باید باشد. این‌ها کارهای جدیدی است که از بیرون آمده، بسیاری از این‌ها درست نیست و باید عزاداری‌ها را اصلاح کنیم.»^۲

در دهه ۶۰ شمسی پس از پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات خیبر، در اورشلیم کنفرانسی توسط صهیونیست‌ها برگزار شد. موضوع بحث فوکویاما در این کنفرانس بازشناسی هویت شیعه بود. او می‌گوید: « شیعه پرنده‌ای است که دو بال دارد، یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالت‌خواهی اوست. چون شیعه در انتظار عدالت به سر می‌برد. شیعه امیدوار است و انسان امیدوار

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۱

۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری جلد ۲۴ صفحه ۲۷۷- آینده انقلاب اسلامی ایران

شکست‌ناپذیر است. همچنین گفت بال سرخ شیعه، شهادت‌طلبی است که شهادت‌طلبی ریشه در کربلا و عاشورای حسینی دارد که این مسأله شیعه را فناپذیر کرده است. شیعه با این دو بال، افق پروازش خیلی بالاست و تیرهای زهرآگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و نظامی به آن نمی‌رسد.^۱

از آن‌جا که مرجعیت، روحانیت و فرهنگ عاشورا و شهادت‌طلبی از عناصر مهم پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی و جنبش‌های ضداستعماری است، غرب تمام تلاش خود را به کار گرفته تا با سست کردن این دو، ضربه نهایی را به انقلاب اسلامی وارد کند. در همین راستا کتابی به نام «نقشه‌هایی برای جدایی مکاتب الهی»^۲ در امریکا انتشار یافته که در آن گفت و گوی مفصلی با دکتر «مایکل برانت»^۳، یکی از معاونان سابق سیا (سازمان اطلاعاتی امریکا) انجام شده است. او در این زمینه می‌گوید:

«بعد از مدت‌ها تحقیق به این نتیجه رسیدیم که قدرت رهبر مذهبی ایران و استفاده از فرهنگ شهادت در انقلاب ایران تأثیرگذار بوده است. ما همچنین به این نتیجه دست یافتیم که شیعیان بیشتر از دیگر مذاهب اسلامی، فعال و پویا هستند. در این گردهمایی تصویب شد که بر روی مذهب شیعه، تحقیقات بیشتری صورت گیرد و طبق این تحقیقات، برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشیم. به همین منظور چهل میلیون دلار

۱. میشل فوکو (۱۳۷۷)، ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران: انتشارات هرمس، چاپ سوم - میشل فوکو (۱۳۸۰)، ایران: روح یک جهان بی‌روح، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌نیده، تهران: نشر نی، چاپ دوم - شهریار زرشناس (۱۳۸۶)، بازخوانی کوتاه رویکرد فوکو نسبت به انقلاب اسلامی ایران، سایت باشگاه اندیشه - به نظر می‌رسد اولین بار روزنامه کیهان این مطلب را نقل نموده است ولی ظاهراً فرانسویس فوکویاما در گفتگویی تلویزیونی با بی.بی.سی، در سوم اسفندماه ۸۹ در یکی از برنامه‌های «به عبارت دیگر» که به گفتگو با شخصیت‌های مطرح اختصاص دارد، همه آن‌چه به او نسبت داده می‌شد را دروغ خواند و اظهار کرد در کنفرانس اورشلیم نبوده و چنان سخنانی به زبان نیاورده است. البته نمی‌توان به صداقت او اطمینان داشت. بدون شک وقتی چنین اظهارنظری از کنفرانس ضد شیعی بیرون می‌آید به‌طور یقین برای از بین بردن آن هم نقشه‌هایی کشیده خواهد شد.

۲. A Plan to Devide and Desolate Theology

Michael Brant ۳



بودجه برای آن اختصاص دادیم و این پروژه در سه مرحله انجام شد. پس از نظرسنجی‌ها و جمع‌آوری اطلاعات از سراسر جهان، به نتایج مهمی دست یافتیم و متوجه شدیم که قدرت مذهب شیعه در دست مراجع و روحانیت می‌باشد... این تحقیقات ما را به این نتیجه رساند که به‌طور مستقیم نمی‌توان با مذهب شیعه رودررو شد و امکان پیروزی بر آن بسیار سخت است و باید پشت پرده کار کنیم... در همین راستا، برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای را برای سیاست‌های بلند مدت خود طرح کردیم. مانند حمایت از افرادی که با مذهب شیعه اختلاف نظر دارند و ترویج کافر بودن شیعیان به گونه‌ای که در زمان مناسب علیه آن‌ها توسط دیگر مذاهب اعلام جهاد شود. همچنین باید تبلیغات گسترده‌ای را علیه مراجع و رهبران دینی شیعه صورت دهیم تا آن‌ها مقبولیت خود را در میان مردم از دست بدهند. یکی دیگر از مواردی که باید روی آن کار می‌کردیم، موضوع فرهنگ عاشورا و شهادت‌طلبی بود که هر ساله شیعیان با برگزاری مراسمی، این فرهنگ را زنده نگه می‌دارند و ما تصمیم گرفتیم با حمایت‌های مالی از برخی سخنرانان و مداحان و برگزارکنندگان اصلی این گونه مراسم که افراد سودجو و شهرت‌طلب هستند؛ عقاید و بنیان‌های شیعه و فرهنگ شهادت‌طلبی را سست و متزلزل کنیم و مسایل انحرافی در آن به وجود آوریم، به گونه‌ای که شیعه، یک جاهل خرافاتی در نظر آید.»^۱

تعقل در دین

اسلام دین تعقل و تفکر است. در آیات بسیاری از قرآن به این موضوع تاکید شده است. بر هر شیعه‌ای معلوم است که باید در اصول دین تحقیق نماید. از طرفی برای قبول فروع نیز انسان یا باید دلیل عقلی داشته باشد یا دلیل نقلی و نمی‌توان از پیش خود یک مطلب عبادی را جعل کرد و آن را به‌عنوان دین یا یک عمل واجب یا حتی مستحب قلمداد نمود.

اهل بیت علیهم‌السلام بر این نکته تأکید داشته‌اند که به‌طور دقیق مانند ایشان عمل نماییم. اما متأسفانه برخی اوقات بعضی از ما راه را به اشتباه رفته‌ایم. به مطلب زیر توجه بفرمایید:

از خود چیزی اضافه نکنید

عبدالله بن سنان می‌گوید که حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: در این زودی برای شما شبهه‌ای پیش خواهد آمد که نه علم خروج از آن را دارید و نه امامی هست که شبهه را برای شما حل کند، و در سرگردانی خواهید ماند افرادی که بخواهند از این‌گونه شبهات رهایی پیدا کنند باید دعای غریق را بخوانند. عرض کردم دعای غریق کدام است؟

فرمود: می‌گویی: «یا الله یا رحمان یا رحیم، یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک»

گفتم: «یا مقلب القلوب و الابصار ثبت قلبی علی دینک»

فرمود: خداوند مقلب القلوب و الابصار هست ولیکن همان‌طور که من دستور دادم قرائت کن و بگو: «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک»^۱

توجه نمایید که امام صادق علیه‌السلام در این روایت فرمودند دعا را به‌طور دقیق همان‌گونه که از اهل بیت رسیده است بخوانیم و در این عمل عبادی حتی اضافه نمودن یک کلمه را اجازه ندادند.

لُخت شدن

با مقدماتی که در بالا آمد یک سؤال مطرح می‌شود و آن این است که برهنه شدن در هنگام سینه زنی برای عزاداری و البته بسیاری از اعمال دیگر مانند گل مالی نمودن بدن، قمه زنی، قفل زنی، و زنی‌های^۱ دیگر از کجا آمده است. طبق کدام دستور یا سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

البته طرفداران برهنه شدن در عزاداری دلایلی را مطرح نموده‌اند که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌نماییم.

پاسخ کلی

پاسخ کلی و مشترک به تمام موارد زیر این است که برداشت از روایات و یا سیره اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب آن بزرگواران، کار فقیه جامع‌الشرایط (مرجع) است و کسانی که به مبانی دین‌آشنایی کامل و جامع ندارند حق ندارند که با یک روایت یا یک سیره از پیش خود چیزی ابداع نمایند یا حرکت دینی را پایه‌گذاری کرده و آن را عبادت بنامند.

قرآن کریم می‌فرماید: « فَسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ — اگر نمی‌دانید، از

آگاهان بپرسید. » (نحل/۴۳ و انبیاء/۷)

« آیه فوق بیانگر یک اصل اساسی اسلامی در تمام زمینه‌های زندگی مادی و معنوی است و به همه مسلمانان تاکید می‌کند که آن‌چه را نمی‌دانند از اهل اطلاعش بپرسند و پیش خود در مسائلی که آگاهی ندارند دخالت نکنند. به این ترتیب "مسأله

۱. مثل زنجیرزنی، زدن طبل و سنج و آلات موسیقی و درست کردن نخل و کرسی و... که طبق فرموده علامه شهید آیت‌الله مطهری بسیاری از این‌ها از قفقاز و دیگر جاها آمده و درست نیست. البته این موضوع باید مورد تحقیق قرار بگیرد، زیرا خود ایشان در بیانی فرموده‌اند: «نوحه‌سرایی و سینه‌زنی و زنجیرزنی، من با همه‌ی این‌ها موافقم ولی به شرط این‌که شعارها شعارهای حسینی باشد، نه شعارهای من درآوردی.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷ ص ۱۸۷) - البته این موافقت را باید به حساب همان موضوع حداقل‌ها که در قسمت‌های بعد درباره‌ی آن صحبت خواهیم کرد گذاشت.

تخصص" نه تنها در زمینه مسایل اسلامی و دینی از سوی قرآن به رسمیت شناخته شده، بلکه در همه زمینه ها مورد قبول و تاکید است، و روی این حساب بر همه مسلمانان لازم است که در هر عصر و زمان افراد آگاه و صاحب نظر در همه زمینه‌ها داشته باشند که اگر کسانی مسائلی را نمی‌دانند به آن‌ها مراجعه کنند. ولی ذکر این نکته نیز لازم است که باید به متخصصان و صاحب نظرانی مراجعه کرد که صداقت و درستی و بی نظری آن‌ها ثابت و محقق است، آیا ما هرگز به یک طبیب آگاه و متخصص در رشته خود که از صداقت و درستکاریش در همان کار خود، مطمئن نیستیم مراجعه می‌کنیم؟! به همین دلیل در مباحث مربوط به تقلید و مرجعیت، صفت عدالت را در کنار اجتهاد و یا اعلمیت قرار داده‌اند، یعنی مرجع تقلید هم باید عالم و آگاه به مسائل اسلامی باشد و هم با تقوا و پرهیزکار.^۱ پس «مسائل دین را باید از کارشناس دین پرسید، نه هر کس اندک آشنایی با دین دارد.»^۲

امام صادق علیه‌السلام در رساله مفصلی که به اصحاب‌شان مرقوم فرموده‌اند، آورده‌اند: «ای گروه مورد رحمت خدا و رستگار (شیعه)، به درستی که خدای تعالی خیر و نعمت را در حق شما تمام کرده است. بدانید که از علم الهی و امر او نیست که احدی از مخلوقات در دین خدا به هوی و هوس و رأی و نظر خود و قیاس عمل کند؛ زیرا خداوند قرآنی را نازل کرده است که احکام خدا به روشنی در آن بیان شده است و برای قرآن و آموزش احکام آن کسانی را قرار داده که شایستگی و اهلیت فهم آن را دارند و برای آنان هم جائز نیست که در دین خدا به هوای نفس و یا به رأی و قیاس حکم کنند؛ بلکه باید به اهل ذکر - که خداوند دستور داده است از آنان سؤال کنند - مراجعه نمایند.»^۳

۱. تفسیر نمونه؛ ج ۱۱ ص ۲۴۵

۲. تفسیر نور (۱۰ جلدی) ج ۴ ص ۵۲۵

۳. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص ۶ - وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۷

یکی از خطرات عدم مراجعه به کارشناس دینی، افتادن در دام تفسیر به رأی قرآن، روایات و احکام دین است.

« مطلب دیگری که تذکرش لازم است، این است که احادیث هم مانند قرآن کریم محکم و متشابه دارد، و اشاره و رمز در میان احادیث بسیار شایع است، و به خصوص در مثل این گونه حقایق (که فهم بشر از درکش عاجز است) مانند لوح، و قلم، و حجب، و آسمان، و بیت معمور، و بحر مسجور، لا جرم بر یک فرد دانشمند لازم است که برای به دست آوردن معنای واقعی کلام سعی کند قرائن کلام را به دست آورد.»^۱ در این خصوص چند روایت را نقل می‌کنیم:

۱- امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: « امر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم هم مانند قرآن ناسخ و منسوخ و خاص و عام و محکم و متشابه دارد، گاهی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به دو طریق سخن می‌فرمود: سخنی عام و سخنی خاص مثل قرآن. و خدای عزّ و جلّ در کتابش فرموده: مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (حشر/ ۷) - آن چه را پیغمبر برای تان آورده اخذ کنید و از آن چه نهی تان کرده باز ایستید - کسی که مقصود خدا و رسولش را نفهمد و درک نکند (امر) بر او مشتبه شود.»^۲

۲- در همین رابطه امام رضا علیه السلام نیز فرموده‌اند:

« هر کس متشابهات قرآن را به محکّمات آن ارجاع دهد، به راه راست هدایت شده است، سپس فرمودند: در اخبار ما نیز همانند قرآن محکم و متشابه وجود دارد، برای همین متشابهات آن را به محکّمات آن ارجاع دهید و فقط به دنبال متشابهات آن نروید که گمراه می‌شوید.»^۳

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۰

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۶۴ - کتاب سلیم ج ۲ ص ۶۲۳ - تحف العقول النص، ص ۱۹۵ -

الخصال ج ۱ ص ۲۵۶ - اعتقادات الإمامیه (للصدوق) ص ۱۲۰ - مرآة العقول ج ۱ ص ۲۱۳

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۱ ص ۲۹۰

نیت رجا

برخی معتقدند که ما این عمل را به نیت رجا انجام می‌دهیم و همان‌گونه که خواندن دعای مورد مثال اشکالی ندارد و خداوند دعا به زبان فارسی را هم قبول می‌کند و امید ثواب برای آن می‌رود، این عمل هم می‌تواند به نیت رجا و نزدیکی به خداوند مورد قبول واقع شود.

در پاسخ باید گفت که نیت رجا هم بی‌حساب نیست و هر عملی را نمی‌توان به نیت رجا انجام داد. اصل عمل به هر شکل باید از جایی رسیده باشد. به عنوان مثال وقتی به زیارت امام رضا علیه‌السلام می‌رویم در آداب زیارت وارد نشده است که روبروی ضریح بایستید و صلوات بفرستید ولی چون اصل صلوات از ائمه اطهار رسیده است انجام این عمل می‌تواند به نیت رجا قابل قبول باشد ولی اگر کسی روبروی ضریح مقدس حضرت بایستد و به‌عنوان مثال به نیت رجا ده بار بر سر خود بزند یا پیراهن خود را پاره کند یا کف بزند، هیچ عقل سلیمی این اعمال را به نیت رجا نمی‌پذیرد زیرا اصل آن در جایی تأیید نشده است.

به یاد برهنه شدن ارباب

برخی می‌گویند چون امام حسین علیه‌السلام توسط سپاه کوفه برهنه شد و سه روز و دو شب برهنه در صحرا ماند، ما به یاد آن حضرت بدن خود را برهنه می‌نماییم. برای بررسی این نظر اصل مطلب را با هم مرور می‌نماییم:

هنگامی که امام حسین علیه‌السلام عزم میدان کرد، فرمود: «أَتُونِي بِثَوْبٍ لَا يُرْغَبُ فِيهِ، الْبِسَةُ غَيْرَ ثِيَابِي، لَا أَجْرَدُ، فَإِنِّي مَقْتُولٌ مَسْلُوبٌ» - برایم جامه کهنه ای بیاورید که کسی به آن رغبت نکند تا آن را زیر لباس‌هایم بپوشم و بعد از شهادتم مرا برهنه نکنند، زیرا می‌دانم پس از شهادت لباس‌هایم ربوده خواهد شد». لباس تنگ و کوتاهی آوردند ولی امام علیه‌السلام آن را نپوشید و فرمود: «هَذَا لِبَاسُ أَهْلِ الذَّمَّةِ؛ این لباس اهل ذمه (کفار اهل کتاب) است». لباس بلندتری آوردند. امام علیه‌السلام آن را پوشید سپس با بانوان حرم خداحافظی کرد.^۱

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۱۹

و در روایت دیگری آمده است:

امام حسین علیه السلام فرمود: « اَبْعَثُوا إِلَيَّ ثَوْبًا لَا يُرْعَبُ فِيهِ أَجْعَلُهُ تَحْتَ ثِيَابِي لِئَلَّا أُجْرَدَ فَأَتِي بَتَّبَانٍ فَقَالَ لَا ذَاكَ لِبَاسٍ مَنْ ضُرِبَتْ عَلَيْهِ بِالذَّلَّةِ فَأَخَذَ ثَوْبًا خَلَقًا فَخَرَقَهُ وَجَعَلَهُ تَحْتَ ثِيَابِهِ فَلَمَّا قَتَلَ جَرْدُوهُ مِنْهُ ثُمَّ اسْتَدْعَى الْحُسَيْنَ ع بِسِرَاوِيلٍ مِنْ حَبْرَةٍ فَفَزَرَهَا وَلَبَسَهَا وَ إِنَّمَا فَزَرَهَا لِثَلَا يَسْلِبُهَا فَلَمَّا قَتَلَ سَلِبُهَا أَبْجَرَ بَنُ كَعْبٍ وَ تَرَكَهُ ع مَجْرَدًا - يَكُ پيراهن برای من بیاورید که احدی در آن رغبت نکند. من آن پیراهن را زیر لباس‌هایم قرار دهم که (پس از شهید شدن) بدنم برهنه نماند. یک پیراهن تنگ برای آن حضرت آوردند. فرمود: منظور من این نیست، این لباس آن کسی است که دچار ذلت شده باشد. سپس آن بزرگوار یک لباس کهنه گرفت و آن را سوراخ سوراخ کرد و در زیر لباس‌های خود پوشید. هنگامی که آن حضرت شهید شد آن پیراهن را هم از بدنش به غارت بردند. بعداً یک شلوار^۱ خواست و آن را سوراخ سوراخ نمود و پوشید. بدین لحاظ آن را سوراخ سوراخ کرد که آن را به یغما نبردند. ولی هنگامی که شهید شد آن را "ابجر بن کعب" به غارت برد و بدن آن حضرت را برهنه نهاد.»^۲

نکات:

- ۱- برهنه شدن بر اساس این روایت کار مذمومی است و حضرت تمام تلاشش این بود که کسی ایشان را برهنه نکند. در نتیجه انجام کار مذمومی که دشمنان امام حسین علیه السلام انجام داده‌اند؛ برای تشابه به آن حضرت صحیح نیست.
- ۲- در این نقل آمده است که شلوار حضرت را هم به غارت بردند، آیا می شود از این نقل برداشت نمود که از این پس در هیأت‌ها همه مانند استخر لباس بپوشند و سینه بزنند.

۱. ظاهر نقل این است که حضرت شلواری داشت که به غارت رفت ولی لباس زیر آن حضرت باقی بود که ساربان می خواست کمربند آن لباس زیر را به یغما ببرد که فلج شد. بحار الأنوار (ط) -

بیروت) ج ۴۵ ص ۳۱۹

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۴۵ ص ۵۴

تأسی به اصحاب امام حسین علیه السلام

برخی مقتل عابس را نقل نموده و نتیجه گیری کرده اند که می توان و باید برای سینه زنی برهنه شد.

ابتدا مقتل «عباس» را مرور نموده و سپس به بررسی آن می پردازیم.

«ربیع بن تمیم [همدانی] گفت: وقتی دیدم [عباس] در حال آمدن است او را شناختم؛ گفتم: ای مردم! این شیر سیاه است، این پسر ابی شیب است، کسی از شما تنها با او مبارزه نکند! [عباس] پیوسته فریاد می زد؟! آیا کسی نیست تا با هم، تن به تن بجنگیم؟! عمر بن سعد گفت: او را با سنگ باران به زانو درآورید! از این رو از هر سو به سویش سنگ پرتاب کردند! [عباس] وقتی این صحنه را دید، زره و کلاه خودش را انداخت (فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ أَلْقَى دَرْعَهُ وَ مِغْفَرَهُ)^۱ [و تنها با پیراهن] به طرف مردم [کوفه] حمله برد، [راوی گوید] و الله دیدم بیش از دویست تن از [دشمنان] را به عقب می راند. سپس آن ها از هر طرف سراغ او آمدند و عابس کشته شد. [رحمت خدا بر او باد].^۲

۱. درباره ریشه و مشتقات این دو لغت موارد زیر آمده است:

مِغْفَرٌ: «کلاه خود» که سر را می پوشاند. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۷۰۴

الدَّرْعُ - ج دُرُوعٌ و أَدْرُعُ: زره که از حلقه های ریز فولادی بافته می شود و در قدیم به هنگام جنگ آن را روی لباس ها بر تن می کردند. فرهنگ ابجدی، متن، ص ۳۹۰

دَرَعٌ - تَدْرِيعًا [درع] هُ: او را زره آهنین پوشانید، - المَرَأَةُ: بر تن آن زن پیراهن پوشانید. فرهنگ ابجدی، متن، ص ۳۹۰

الدَّرَاعَةُ - ج دَرَارِيعٌ: جُبهه، قبا، جامه ای که جلو آن باز باشد. فرهنگ ابجدی، متن، ص ۳۸۸

با توجه به این مطالب «مِغْفَره» فقط معنی کلاه خود می دهد زیرا اگر به «مِغْفَره» بگیریم به معنای بخشش الهی است. همچنین «درعه» به معنی زره است و اگر درباره زنان به کار رود ممکن است معنی پیراهن بدهد و احتمال ضعیفی هست که به معنای جامه ای باشد که جلوی آن باز است، ولی چنین جامه ای را در زیر لباس ها نمی پوشند.

۲. وقعة الطف، ص: ۲۳۶ - این کتاب بازسازی شده اخبار ابو مخنف از دی درباره واقعه کربلا و

نکات:

۱- بر خلاف حرف مشهور که عابس برهنه شد، این دلاور کربلا تنها در برابر هجوم سنگ‌ها، زره و کلاه خود خود را انداخت و گزارشی از برهنه شدن وی در کربلا نیامده است. در تمام اسناد تاریخی همین عبارت عربی آمده و متأسفانه برخی در آوردن زره را، برهنه شدن ترجمه نموده‌اند.

شاید این کار برای این بوده که در حمله به قلب سپاه دشمن سرعت عمل بیشتری داشته باشد یا این که به دشمن نشان بدهد که از

حرکت ذبوحانه آن‌ها در سنگباران و تیرباران نمودن هراسی ندارد.

۲- این کار «عباس» بعد از محاصره شدن در میدان جنگ بوده، نه در مقابل حرم و نه در ابتدای اعزام به جبهه در برابر امام حسین علیه‌السلام.

۳- حتی اگر عابس برهنه شده باشد، تنها فردی است که این کار را نموده است، بهتر نیست به جای تأسی به عابس، به دیگر شهدای کربلا و به‌ویژه به حضرت عباس علیه‌السلام تأسی نماییم. به‌طور قطع ایشان برای الگو برداری بسیار مناسب‌تر خواهد بود.

۴- اگر عابس به دلیل وضعیت میدان نبرد برهنه شده باشد، این امر چه ارتباطی می‌تواند به برهنه شدن در عزاداری پیدا کند؟

برگرفته از کتاب تاریخ طبری است که محقق معاصر استاد یوسفی غروی آن را جمع آوری و تحقیق کرده است. ابومخنف کتابی با عنوان مقتل الحسین (ع) داشته که اکنون موجود نیست ولی هشام کلبی آن را روایت کرده و طبری آن‌ها را در تاریخ خود آورده است. روایات هشام کلبی را شیخ مفید نیز در کتاب الارشاد نقل می‌کند.

از هر سو به سویش
سنگ پرتاب کردند!
[عباس] وقتی این
صحنه را دید، زره و
کلاه‌خودش را انداخت
(فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ أَلْقَى
دَرَعَهُ وَ مِعْفَرَهُ)

زشتی برهنگی

همان طور که در قسمت قبل آمد امام حسین علیه السلام بسیار تلاش نمودند تا بدن ایشان بعد از شهادت توسط دشمن برهنه نشود و این نشان از زشتی برهنگی دارد. برهنه نمودن بدن در هنگام سینه‌زنی به خصوص برای نوجوانان و جوانانی که از بدن زیبایی برخوردارند کار صحیحی نیست اگر چه در آن جا همه مرد باشند، به خصوص اگر جا تنگ باشد و موقع سینه‌زنی بدن‌ها به یکدیگر برخورد کند. عالم بزرگوار ملا محمد مهدی نراقی در کتاب گران‌سنگ جامع‌السعادات آورده است: «نظر کردن مردان بر پسران امرد (بی‌مو، که موی بر صورت نیاورده‌اند) اگر از روی شهوت و موجب فتنه باشد حرام شده است. و از این رو بزرگان دین و اخیار هر عصر و دیاری از نظر کردن به روی پسران احتراز می‌نمودند، حتی یکی از آنان گفته است: ترس من برای جوان عابد و زاهدی که با پسر امرد می‌نشیند بیشتر از ترسی است که برای او از درنده‌های خطرناک دارم.»^۱

ملا احمد نراقی نیز در معراج‌السعاده نوشته است:

«حرام شد نظر کردن مردان به پسران امرد، اگر از شهوت باشد. و از این جهت،

بزرگان دین و اخیار در اعصار احتراز می‌نمودند از نظر کردن به روی پسران امرد.»^۲

ممکن است کسی بگوید این حرف برای افراد هیأت که همگی از دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام هستند حرف صحیحی نیست و حتی توهین است. اما اگر در سخن این دو بزرگ علم اخلاق دقت نمایید، گفته‌اند که بزرگان هر عصر از نگاه به صورت پسران امرد احتراز می‌کردند. - دلیل آن هم روشن است، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از دام شیطان مصون بداند - حال اگر آن‌ها از نگاه به صورت ایشان احتراز می‌نمودند، به یقین نگاه به بدن برهنه آنان پرهیز بسیار بیشتری طلب می‌کند.

نکته دیگر این است که ما باید هم برای خود و هم برای دیگران مانع طمع شویم.

استاد قرائتی در این باره گفته است:

خداوند در آیه ۳۲ سوره احزاب خطاب به زنان پیامبر می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ

بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ - پس به نرمی و کرشمه سخن نگوئید تا (مبادا) آن

۱. علم اخلاق اسلامی ج ۳ ص ۱۴ - ترجمه جامع‌السعادات

۲. معراج‌السعادة ج ۲ ص ۳۱۹

که در دلش بیماری است طمعی پیدا کند.» استاد قرائتی درباره‌ی این آیه گفته است: این جا زن و مرد مهم نیست، آن که مهم است این است که قلاب را به دل هوس بازها می‌اندازی. حجاب که فقط برای زن نیست. مردها هم باید حجاب داشته باشند.

بعضی‌ها می‌گویند به ما چه؛ من می‌خواهم لباسم این‌طوری باشد؛ او نگاه نکند. گرچه کسی که بیمار دل است مشکل دارد، اما من نباید کاری کنم که او تحریک شود. این آیه می‌گوید نه گناه کنید نه سبب گناه دیگران بشوید.

نکته دیگر این که نمی‌گوید: «فیطمع الذین» یعنی اگر یک جمعی به فساد می‌افتند این کار را نکنید، بلکه می‌گوید «الَّذِي» یعنی یک نفر، یعنی اگر حتی یک نفر به گناه می‌افتد شما باید دست از آن کار بردارید. حتی سبب فتنه یک نفر هم نشوید. با هوس و آرزوی گناه هم باید مبارزه کرد تا چه رسد به خود گناه. چون بحث طمع است نه انجام آن. آیا لازم است که این دکمه پیراهن را ببندیم؟ نه! اصلاً مرد می‌تواند شکمش هم پیدا باشد. اما سینه‌ات را که نشان می‌دهی فَيَطْمَعِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ - بیمار دلان در شما طمع می‌کنند.^۱

از طرفی سفارش شده است که در هنگام عبادت، حتی با لباس نازک در برابر خداوند نایستیم، چه برسد به برهنه شدن. (البته تفاوت بین حرام یا حلال بودن با سفارش در مطالب بعدی آمده است)

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّهُ مِنْ رَقِّ ثَوْبِهِ رَقَّ دِينُهُ لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ جُلَّ وَعَزَّ وَ عَلَيْهِ ثَوْبٌ يَصْفُهُ - بر شما باد که لباس‌های ضخیم بپوشید که هر کس لباس نازک بپوشد، دینش هم نازک و ناتوان خواهد شد. هیچ کدام از شما با لباس بدن نما در برابر خداوند متعال نایستند.»^۲

و فرمود: «إِذَا تَعَرَّى الرَّجُلُ نَظَرَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَطَمَعَ فِيهِ فَاسْتَبْرَأْ - مرد هنگامی که برهنه شود شیطان به او می‌نگرد و طمع به او می‌بندد پس خود را بپوشانید.»^۳

۱. برداشتی از هفت قسمت نرم‌افزار آثار حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محسن قرائتی

۲. تحف العقول النص ص ۱۱۳

۳. خصال ج ۲ ص ۶۳۰

عرف

عده‌ای با استناد به روایتی که اصل آن خواهد آمد معتقدند که امام صادق علیه‌السلام دستور داده‌اند که همانگونه که در مراسم عزاداری خودشان عزاداری می‌کنند برای امام حسین علیه‌السلام عزاداری شود و می‌گویند اگر کاری به‌عنوان عزا عرف شد، انجام آن در سوگواری ابا عبدالله علیه‌السلام صحیح است.

ابتدا اصل روایت را نقل و سپس این نظر را بررسی می‌نماییم. هارون مکفوف (یکی از یاران امام صادق علیه‌السلام) می‌گوید: به محضر آن حضرت شرفیاب شدم، فرمود: «برایم مرثیه بخوان.» برایش خواندم. فرمود: «این‌گونه نمی‌خواهم، آن‌گونه که در کنار قبر آن حضرت علیه‌السلام مرثیه می‌خوانید، بخوان» و من خواندم:

«از کنار قبر حسین علیه‌السلام گذر کن و به آن استخوان‌های پاک او بگو...» دیدم آن حضرت به گریه افتاد، سکوت کردم، ولی فرمود: ادامه بده، ادامه دادم. فرمود: «باز هم بخوان» خواندم تا به این بیت رسیدم: «ای مریم! برخیز و بر مولای خود ندبه کن و با گریهات بر حسین علیه‌السلام رستگاری طلب کن.»

دیدم امام صادق علیه‌السلام گریه کرد و بانوان، شیون سر دادند. وقتی آرام شدند، حضرت فرمود:

«ای ابوهارون! هرکس بر امام حسین علیه‌السلام مرثیه بخواند و ده نفر را بگریاند، پاداش او بهشت است.»

سپس آن حضرت همچنان از تعداد نفرات کم کرد تا به یک نفر رسید و فرمود: «کسی که در عزای حسین علیه‌السلام شعر بگوید و یک نفر را گریان نماید جزایش بهشت است.»

پس از آن فرمود: «هر کسی امام حسین علیه‌السلام را به خاطر بیاورد و گریان شود بهشت جزای او می‌باشد.»^۱

بررسی:

۱- در این روایت حضرت فرمود همانگونه که در کنار قبر امام حسین علیه السلام شعر می خوانید، نه آن گونه که در مجالس ترحیم خودتان می خوانید. ظاهر این است که راوی برای رعایت حال امام صادق علیه السلام نوع مرثیه خوانی خود را عوض کرده بود.

۲- اگر کار غلطی عرف شد، نمی توان آن را فقط به دلیل عرف بودن پذیرفت. عرف وقتی صحیح است که با دستورات دین مطابقت داشته باشد. وگرنه بسیاری از رسوم جاهلیت در بین کفار عرف بوده که خداوند، و رسول اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام از آن ها نهی فرموده اند.

کاری که گذشتگان انجام می داده اند

برخی می گویند: « گذشتگان ما همگی برای سینه زدن برهنه می شدند و حتی رزمندگان و شهداء در جبهه برای عزاداری لخت می شدند، چه طور شد که ناگهان لخت شدن برای سینه زنی بد شد؟»

برای پاسخ به چند نکته باید اشاره نماییم:

۱- برخی کارهای اشتباه در گذشته بوده است که به دلیل شیوع کم یا عدم سوء استفاده دشمنان و یا این که درجه انحراف آن زیاد نبوده است، عقلا و علما با آن کاری نداشتند، اگرچه خود آن را انجام نمی دادند.

۲- برخی کارهای اشتباه بوده است که در گذشته فکر می کردند کار درستی است و امروز متوجه شده ایم که اشتباه است. آن ها که آن کار را با فکر این که کار درستی انجام داده اند ان شاء الله ثواب و اجر می برند. اما این بدان معنا نیست که کسی نباید آن اشتباه را اصلاح کند و اگر ما امروز فهمیدیم که اشتباه است، دوباره با انجام آن اجر ببریم.

امام صادق علیه السلام فرمود: « مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ - کسی که ثوابی را بر عملی بشنود و آن را به جا آورد، آن ثواب را ببرد. اگر چه چنان که به او رسیده نباشد.»^۱

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۸۷

۳- حرف دیگری که با استناد به حدیث ذکر شده مطرح می‌شود این است که چرا نمی‌گذارید مردم هر طور که دوست دارند عزاداری کنند؟ حال که ثواب می‌برند چرا آن‌ها را روشن می‌کنید؟ بعد به داستان موسی و شبان در مثنوی استناد می‌نمایند.

حضرت حجت الاسلام قرائتی در این باره مطلب بسیار جالب و روشنی بخشی گفته‌اند که در زیر می‌خوانید:

«یکی از شعرهایی که از بُن غلط است... این شعر است... "دید موسی یک شبانی را به راه" چوپانی را دید که چوپان دارد مناجات می‌کند و می‌گوید: خدا کجا هستی که موهایت را شانه کنم. روسریت را درست کنم. عطر به تو بزنم. من چاکر تو هستم. من مخلص تو هستم. من نوکر تو هستم. داشت به زبان چوپانی مناجات می‌کرد. حضرت موسی فرمود: این مزخرفات چیست که می‌گویی؟ بعد هم خدا با موسی دعوا کرد که برو و به آن چوپان بگو: هر چه دلت می‌خواهد بگویی، بگو. خوب اگر هر کسی واقعاً هر حرف مزخرفی را می‌خواهد بگوید و انبیاء هم کاری به آن‌ها نداشته باشند، پس خاصیت انبیاء چه می‌شود؟ اصلاً انبیاء برای این که مردم را از انحراف نجات بدهند آمده‌اند. یک منحرفی دارد حرف بیهوده می‌زند. پیغمبر طبق وظیفه‌اش دارد عمل می‌کند. خدا می‌گوید: به وظیفه‌ات عمل نکن... این شعر اگر درست باشد، اصل نبوت حضرت موسی لغو است.^۱ کل این شعر دروغ است. برای این که قرآن می‌گوید: آسمان بشکاف. زمین بشکاف. کوه بشکاف. (چرا؟). چه شده؟ قرآن می‌فرماید: "تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ" آسمان‌ها نزدیک هستند بشکافند. "وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ" زمین بشکافد. "وَتَخْرُ الْجِبَالُ هَدًّا" (مریم/ ۹۰) کوه بشکافد. چه خبر است که زمین و آسمان بشکافد؟ قرآن می‌گوید: "وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا" (مریم/ ۸۸) یک کسی گفت: خدا اولاد دارد. اگر کسی بگوید: خدا اولاد دارد، زمین و آسمان بشکافد بجاست. حالا یک چوپانی می‌گوید: خدا جسم است، زمین و آسمان بشکافد جا دارد، آن وقت ما بگوییم: خدا با موسی دعوا کرد که بگو: هر چه دل تنگت می‌خواهد بگو! «ما درون

۱. نرم افزار آثار حجت‌الاسلام قرائتی - برنامه درس‌هایی از قرآن سال ۷۱، امر به معروف، ص ۲

را بنگریم و حال را»، غلط است. اگر این طور باشد پس چرا رو به قبله نماز می خوانیم؟ هرکسی به هر سمتی نماز بخواند. اصلاً چرا زبان عربی نماز بخوانیم؟ هرکسی با هر زبانی می خواهد نماز بخواند. این شعر کل دین را هوا می کند.^۱

۴- خداوند در آیات متعدد قرآن، از پیروی روش غلط گذشتگان نهی فرموده است. به عنوان نمونه به آیه زیر اشاره می نماییم.

وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ - و چون کاری زشت کنند گویند پدران خود را چنین یافتیم و خدایمان به آن فرمان داده، بگو خدا به زشتی دستور نمی دهد آیا به خدا چیزی نسبت می دهید که نمی دانید؟ (اعراف/۲۸)

مشهور غلط

هر چیزی که در گذشته مشهور بوده لزوماً صحیح نیست. برای این موضوع چند مثال ذکر می نماییم:

قربانی برای چشم زخم

شهید مطهری می فرماید: معمول ما این است که وقتی خانه مان را عوض می کنیم و می خواهیم به خانه جدید برویم یک گوسفند می کشیم. یا اگر چشمه ای جاری می کنیم، کار نویی می کنیم، یک گوسفند می کشیم.

کتاب وسائل الشیعه، از معانی الاخبار صدوق نقل می کند که پیغمبر اکرم: «نَهَى عَنْ ذَبَائِحِ الْجِنِّ - پیغمبر از ذبایح جن نهی کرد.»^۲ معلوم می شود اسم این ها در قدیم «ذبیحة الجن» بوده است. بعد فرمود: «وَهُوَ أَنْ يَشْتَرِيَ الرَّجُلُ الدَّارَ أَوْ يَسْتَخْرِجَ الْعَيْنَ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ - یعنی کسی خانه ای می خرد یا چشمه ای را استخراج و جاری می کند یا

۱. نرم افزار آثار حجت الاسلام قرائتی - برنامه درس هایی از قرآن سال ۸۸، جذب جوانان به مسجد، ص ۷

۲. الجعفریات (الأشعثیات) ص ۷۲ - وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۵۰۷ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۶۰

ص ۳۱۳ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۶ ص ۲۰۰ - أساس البلاغة ص ۲۰۲

کاری مثل این‌ها می‌کند - فَيَذِيحُ لَهُ ذَبِيحَةً لِلطَّيْرَةِ - بعد گوسفندی را می‌کشند برای این که جلو چشم مردم را بگیرند - مَخَافَةَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَنْ يُصِيبَهُ شَيْءٌ مِنَ الْجِنِّ - اگر این کار را نکنند جن‌ها به او آسیب می‌رسانند. (ما می‌گوییم چشم‌زخم، معلوم می‌شود عرب‌های جاهلیت می‌گفتند جن می‌آید این کار را می‌کند.) فَأَبْطَلَ ذَلِكَ النَّبِيُّ ص وَ نَهَى عَنْهُ - پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این سنت رایج جاهلیت را (که دو مرتبه در میان ما رایج شده است) باطل کرد.^۱

ولیمه بد

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «بئس الطَّعام طعم العرس يطعمه الأغنياء و يمنعه المساكين - چه بد است غذای عروسی که ثروتمندان از آن بخورند و فقیران محروم مانند.»^۲

و همان حضرت فرمود: «شرَّ الطَّعام طعام الوليمة يدعى إليه الشَّبَعان و يحبس عنه الجائع - بدترین غذاها غذای ولیمه‌ای است که سیر را به خوردن آن دعوت می‌کنند و گرسنه را از آن باز می‌دارند.»^۳

حال در میان ما واقعاً ولیمه دادن چگونه است؟ آیا مطابق این روایت پیامبر نیست؟ اگر چنین است این ولیمه دادن سنت اسلامی نخواهد بود.

چرا مهدی است

حکمت اصلی نامیده شدن امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، به مهدی آن است که آن حضرت مردم را به آن‌چه که از آن دور شده‌اند؛ یعنی احکام واقعی اسلام هدایت خواهد کرد. شاهدش این حدیث امام صادق علیه‌السلام است: «وقتی قائم ما قیام

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۵، ص ۴۰۸

۲. نهج الفصاحه ص ۳۷۱

۳. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة ج ۴ ص ۳۷

کرد مردم را از نو به سوی اسلام دعوت می‌نماید و به سوی چیزی که کهنه شده و عموم مردم از آن دور افتاده‌اند، هدایت می‌کند. آن جناب، مهدی نامیده شده؛ چون به چیزی که مردم از آن دور شده‌اند هدایت می‌شود و قائم نامیده شده چون برای به پا داشتن حق قیام می‌کند.^۱

داستان سید بحرالعلوم

مشهور است که سید بحرالعلوم که از علمای بزرگ نجف بود، برای زیارت به کربلا آمده بودند. در مسیر راه حرم، به تماشای هیئت عزادارای طویریج می‌ایستد. ناگهان مردم می‌بینند سید بحرالعلوم عبا و عمامه را به کناری گذارده و به داخل جمعیت رفته و یا حسین! یا حسین می‌کند.

طلبه‌ها می‌روند آقا را از داخل جمعیت نجات دهند تا زیر دست و پا له نشود؛ اما اجازه نمی‌دهند. بعد از عزاداری می‌بینند سید در آستانه غش کردن است، علت این حرکت را می‌پرسند؟ سید می‌گوید: همین که مشغول تماشای هیئت بودم، حضرت مهدی علیه‌السلام را دیدم که با پای برهنه و سر بدون عمامه، در میان عزاداران به سر و سینه می‌زند، من شرم کردم که تماشاچی باشم.

۱- متأسفانه برخی با تحریف این واقعه به جای «پای برهنه» عبارت بدن برهنه؛ را گذاشته و آن را دلیل برهنه شدن در هنگام سینه‌زنی قرار می‌دهند.

۲- این مطلب یک روایت نقل شده سینه به سینه است و خود سید بحرالعلوم در جایی ننوشته است، از علمای هم عصر یا نزدیک به سید بحرالعلوم هم کسی این واقعه را در کتابش نقل ننموده، به همین دلیل این نقل را نمی‌توان دلیل و استناد انجام کاری دانست.

۳- اگر چه این نقل بسیار مشهور است و در کتاب‌های مختلفی آمده ولی همه‌ی نقل‌ها به دوران معاصر بر می‌گردد. از طرفی بررسی تاریخی واقعه طویریج در صحت این نقل تشکیک ایجاد می‌کند.

۱. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة (ط - القدیمة)، ج ۲ ص ۴۶۴

بنا بر روایات شفاهی و گفتارهای سالمندان شهر طویریج، پیدایش این عزاداری منحصر به فرد به روز عاشورای سال ۱۳۰۳ قمری باز می‌گردد. در عاشورای آن سال، شمار زیادی از مردم طویریج به سنت هر ساله در منزل سید صالح، فرزند سید مهدی قزوینی (متوفای ۱۳۰۴ قمری) از عالمان شهر طویریج تجمع کرده بودند تا به مقتل خوانی او گوش فرادهند. سید صالح قزوینی در میان مقتل خوانی آن چنان متأثر شد که از منبر فرود آمد و بی اختیار به سوی شهر کربلا دوید. حاضران در مجلس که از شنیدن کیفیت شهادت امام حسین علیه السلام و بی‌یاوری ایشان در کربلا به شدت محزون و منقلب شده بودند، در حالی که مرتب فریاد «یا حسین!» سر می‌دادند، به دنبال او به راه افتادند.^۱

پس مؤسس دسته عزاداری طویریج سید صالح قزوینی است که در سال ۱۲۵۷ قمری متولد و در سال ۱۳۰۴ قمری وفات یافت.^۲

اما سید محمد مهدی طباطبایی بروجردی ملقب به بحرالعلوم همان مرجع تقلید مشهور شیعیان که داستان‌های زیادی از ملاقات‌های وی با امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف نقل شده است. ایشان در سال ۱۱۵۵ قمری متولد و در ۱۲۱۲ هجری قمری درگذشت.^۳

بین درگذشت علامه بحرالعلوم تا تولد سید صالح قزوینی ۴۵ سال فاصله است. و بین شروع دسته عزاداری تا وفات سید بحرالعلوم ۹۱ سال! اگر اصل این داستان صحت داشته باشد به‌طور قطع درباره‌ی یکی از نوادگان ایشان است که به بحرالعلوم شهرت داشته است.^۴

۱. <http://www.tebyan-zn.ir/up/fardsaeid/۴۲۸۶۸۴/default.html>.

۲. سید صالح بن مهدی بن حسن

<http://www.wikifeqh.ir/%D۸%A۲%D۹%۸۴%E۲%۸۰%۸C%D۹%۸۲%D۹%۸۱%D۸%B۷%D۸%AV%D۹%۸۶>

<http://lib.eshia.ir/۲۳۰۲۲/۲/۴۵۲>

۳. ویژه‌نامه علامه سید محمد مهدی بحرالعلوم - مرکز پژوهش و سنجش افکار سازمان صداوسیما

۴. خاندان وی تا کنون در عراق و به‌ویژه کربلا حضور دارند و به نام بحرالعلوم شناخته می‌شوند.

هدف وسیله را توجیه نمی‌کند

بعضی می‌گویند برای جذب جوان‌ها باید کارهایی نمود که شاید ظاهر آن زیاد خوب نباشد ولی بگذارید جوان‌ها و مردم به این بهانه‌ها بیایند و سپس آن‌ها را ارشاد نماییم. یا این که مجلس عزای امام حسین علیه‌السلام آن قدر ثواب دارد که می‌توان از بعضی چیزها چشم‌پوشی کرد.

پاسخ این مطلب را با استفاده از فرمایشات آیت‌الله مطهری در زیر می‌خوانید.

«عده‌ای آمدند گفتند گریه بر امام حسین ثوابش آن قدر زیاد است که از هر وسیله‌ای برای این کار می‌شود استفاده کرد... حالا این گریستن روی چه فلسفه‌ای است، کاری به آن ندارند؛ باید گریست. بسیار خوب، باید گریست. به چه وسیله بگریانیم؟ به هر وسیله که شد. هدف که مقدس است، وسیله هر چه شد، شد. اگر یک تعزیه‌های اهانت‌آور هم بسازیم درست است یا درست نیست؟ گفتند: اشکی جاری می‌شود یا جاری نمی‌شود؟ همین قدر که اشک جاری می‌شود، هر کاری کردید کردید. شیپور بزنیم، طبل بزنیم، معصیت کاری کنیم، به بدن مرد لباس زن بیوشانیم، عروسی قاسم درست کنیم، جعل و تحریف کنیم. گفتند: در دستگاه امام حسین این حرف‌ها مانعی ندارد. دستگاه امام حسین علیه‌السلام از دستگاه دیگران جداست. اگر این‌جا دروغ‌گفتی، بخشیده است؛ جعل کردی، بخشیده است؛ تحریف کردی، بخشیده است؛ شبیه‌سازی کردی، بخشیده است؛ به تن مرد لباس زن کردی، بخشیده است؛ هر گناهی که این‌جا کردی، بخشیده است. هدف خیلی مقدس است. در نتیجه یک افرادی در این قضیه دست به جعل و تحریف زده‌اند که انسان تعجب می‌کند. ... این چه حرف شریعت خراب کنی است که از هر وسیله‌ای جایز است برای گریاندن بر امام حسین استفاده کرد؟ به خدا قسم بر خلاف گفته امام حسین است. امام حسین علیه‌السلام شهید شد که اسلام بالا برود ... امام حسین کشته شد که سنن و مقررات و قوانین اسلامی زنده شود، نه این‌که بهانه‌ای شود که پا روی سنن اسلامی بگذارند. ما امام حسین را به صورت - العیاذبالله - اسلام خراب کن درآورده‌ایم.»^۱

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷ ص ۹۰ - کتاب حماسه حسینی ج ۱ ص ۴۸

جلوگیری از وهن مذهب

یکی از دلایلی که امروزه باعث شده تا حساسیت بیشتری نسبت به روش غلط برهنه شدن در عزاداری به وجود بیاید این است که روش‌های غلط‌تری در سینه‌زنی ابداع شده است که باعث وهن مذهب است. از طرفی دشمنان از همان مقدار غلط قبل سوء استفاده‌های زیادی در بد جلوه دادن مذهب شیعه می‌نمایند. شاید گفته شود این مسائل فرعی است و سوء استفاده آن‌ها دلیل عدم انجام کار نیست، ولی این منطق در قرآن رد شده است.

خداوند کریم در قرآن مجید می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

- ای افراد با ایمان (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می‌کنید) نگویید "راعنا" بلکه بگوئید "انظرنا" (زیرا کلمه اول هم به معنی ما را مهلت بده و هم بمعنی "ما را تحقیق کن" می‌باشد و دستاویزی برای دشمنان است) و آنچه به شما دستور داده می‌شود بشنوید و برای کافران (و استهزاء کنندگان) عذاب دردناکی است.» (بقره/۱۰۴)

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است:

"ابن عباس" مفسر معروف نقل می‌کند: مسلمانان صدر اسلام هنگامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشغول سخن گفتن بود و بیان آیات و احکام الهی می‌کرد گاهی از او می‌خواستند کمی با تأنی سخن بگویند تا بتوانند مطالب را خوب درک کنند، و سؤالات و خواسته‌های خود را نیز مطرح نمایند، برای این درخواست جمله "راعنا" که از ماده "الرعی" به معنی مهلت دادن است به کار می‌بردند.

ولی یهود همین کلمه "راعنا" را از ماده "الرعونه" که به معنی کودنی و حماقت است استعمال می‌کردند (در صورت اول مفهومش این است "به ما مهلت بده" ولی در صورت دوم این است که "ما را تحقیق کن"!).

در این جا برای یهود دستاویزی پیدا شده بود که با استفاده از همان جمله‌ای که

مسلمانان می‌گفتند، پیامبر یا مسلمانان را استهزاء کنند. آیه فوق نازل شد و برای جلوگیری از این سوء استفاده به مؤمنان دستور داد به جای جمله "راعنا"، جمله "انظرنا" را به کار برند که همان مفهوم را می‌رساند، و دستاویزی برای دشمن لجوج نیست.

بعضی دیگر از مفسران گفته‌اند که جمله "راعنا" در لغت یهود یک نوع دشنام بود و مفهومی این بود "بشنو که هرگز نشنوی" این جمله را تکرار می‌کردند و می‌خندیدند!

بعضی از مفسران نیز نقل کرده‌اند که یهود به جای "راعنا"، "راعینا" می‌گفتند که معنیش "چوپان ما" است، و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مخاطب قرار می‌دادند و از این راه استهزاء می‌کردند. این شان نزول‌ها با هم تضادی ندارد و ممکن است همه صحیح باشد.

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که مسلمانان باید در برنامه‌های خود مراقب باشند که هرگز بهانه به دست دشمن ندهند، حتی از یک جمله کوتاه که ممکن است سوژه‌ای برای سوء استفاده دشمنان گردد احتراز جویند، قرآن با صراحت برای جلوگیری از سوء استفاده مخالفان به مؤمنان توصیه می‌کند که حتی از گفتن یک کلمه مشترک که ممکن است دشمن از آن معنی دیگری قصد کند و به تضعیف روحیه مؤمنان پردازد پرهیز کنند.

وقتی اسلام تا این اندازه اجازه نمی‌دهد بهانه به دست دشمنان داده شود، تکلیف مسلمانان در مسائل بزرگ‌تر روشن است، هم اکنون گاهی اعمالی از ما سر می‌زند که از سوی دشمنان داخلی، یا محافل بین‌المللی سبب تفسیرهای سوء و بهره‌گیری بلندگوهای تبلیغاتی آنان می‌شود، وظیفه ما این است که از این کارها جداً پرهیزیم و بی‌جهت بهانه به دست این مفسدان داخلی و خارجی ندهیم.^۱

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، خلاصه‌ای از صفحات ۳۸۳ تا ۳۸۵

حکم فقهی

حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی در پاسخ به سؤالی درباره لخت شدن در مجالس سینه فرموده‌اند:

« برهنه شدن هنگام سینه‌زنی اگر در مقابل نامحرم باشد، حرام است و در غیر این صورت نیز چون سبب وهن است بنابر احتیاط باید ترک شود ولی باز گذاشتن کمی از جلوی سینه برای سینه زدن یا کمی از پشت برای زنجیر زنی مانعی ندارد.»^۱

ایشان در پاسخ دیگری فرموده‌اند: « احتیاط آن است که عزاداران حسینی لخت نشوند عربان نشوند؛ آیا فردی در مجلس ترحیم پدرش اگر لخت شود این جزء آداب عزاداری است؟! برادران بر لخت شدن اصرار نداشته باشند... اما برای عزاداری می‌توان مقداری از سینه را باز گذاشت. سابقاً پیراهن‌هایی بود که قسمتی از آن دکمه می‌شد و جلوی سینه را باز می‌کردند و لخت هم نمی‌شدند که بدن نما باشد. با این کار دشمنان هم نمی‌توانند سرزنش کنند.»^۲

به جز ایشان که برهنه شدن را جایز نمی‌دانند، بقیه مراجع بر روی دو موضوع اتفاق نظر نسبی دارند. اول آن که در معرض نگاه زن‌ها نباشد و دوم این که موجب وهن مذهب نگردد.

در پاسخ به این مطلب که زن‌ها نگاه نکنند، خوانندگان عزیز را به مطالب قبلی در خصوص «جلوگیری از ایجاد طمع حتی برای یک نفر» ارجاع می‌دهیم.

در خصوص وهن بودن هم باید به وضعیت کنونی جهان نگاه کرد که در مطلب جلوگیری از وهن به آن پرداختیم.

ضمن آن که بیشتر فقها در بیان حکم فقهی برهنه شدن در عزاداری گفته‌اند که در صورتی که نامحرم نباشد و همچنین این عمل مفسده‌ای همچون وهن مذهب را در پی نداشته نباشد، جایز بوده و اشکالی ندارد. ولی پیرامون این پاسخ‌ها دو نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

<http://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&mid=۹۷۲&CatID=۲۱>

<http://www.rasanews.ir/NSite/FullStory/News/?Id=۱۸۹۱۷۹>

اول این که حکم به جواز، به معنای حکم به لزوم و یا استحباب انجام این رفتارها نیست، همچنان که هر نهبی هم در مقابل این حکم به جواز نیست، به عنوان مثال ممکن است فقها مصرف بسیاری از خوراکی ها را به خودی خود حلال بدانند، ولی با این حال برای استمرار سلامتی افراد، توصیه به مصرف بعضی غذاها و اجتناب از بعضی دیگر می شود، زیرا بی شک مصرف بعضی از غذاها نه تنها نیازهای تغذیه ای را تأمین نمی کند، بلکه مغایر اهداف تغذیه ای انسان بوده و مصرف آن در طولانی مدت برای افراد ضرر هم دارد.

نکته دوم این که اگر چه ممکن است بعضی از عزاداران، شرایطی را که برای جواز بیان شد لحاظ کنند، ولی هنگامی که عملی گسترش پیدا کرد، افرادی نیز هستند که این شرایط را لحاظ نمی کنند، در این صورت تبعات منفی این رفتارها تنها مختص به خود آن ها نیست، زیرا به خصوص در موضوع وهن مذهب، این رفتارها چهره ای متفاوت از عزاداری ها ارائه می کند و تأثیرات منفی آن برای همه عزاداران خواهد بود. از همین رو حداقل باید جلو گسترش چنین رفتارهایی گرفته شود و این رفتارها به عنوان روش هایی پسندیده و متداول رواج نیابند.

نظر امام خامنه ای مدظله العالی

حجت الاسلام والمسلمین فلاح زاده، کارشناس مسائل فقهی به سوالی در همین رابطه پاسخ گفته اند که در « پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای » منتشر شده است. در نتیجه به طور حتم نظر معظم له می باشد:

سؤال: نظر آقا در مورد برهنه شدن در عزاداری چیست؟ اگر فیلمبرداری نشود و

زنان نیز نبینند چه طور؟ آیا از نظر فقهی، ایشان حرام می دانند این کار را؟

پاسخ: حضرت آقا توصیه فرمودند به برخی از مداحان که در عزاداری ها برهنه نشوند. اما این به عنوان یک فتوای فقهی نیست که ما بگوییم حرام است. خب اگر نامحرمانی نیستند، اگر مسئله سویی بر آن مترتب نیست، دشمنان سوء استفاده نمی کنند خب ممکن است بگوییم حرام هم نباشد؛ مثلاً یک جمع محدودی هستند

فیلمبرداری هم نمی کنند، فقط مردان هستند حالا پیراهن را از تن درآوردند و سینه می زنند؛ اما به طور کلی توصیه ایشان این هست — به عنوان یک توصیه — که در عزاداری های مردها برهنه نشوند. چرا؟ چون ممکن است هم در معرض دید نامحرمان باشند و هم دشمنان باز از این مسئله سواستفاده کنند برای تبلیغ علیه مکتب اهل بیت علیهم السلام.^۱

معظم له در فرمایش دیگری با انتقاد تلویحی از لخت شدن در عزاداری فرموده اند: «این که ما مجلس عزاداری و مدح سیدالشهدا را — که عظمت او به خاطر شهادت است، عظمت او به خاطر فداکاری در راه خدا است، عظمت او به خاطر گذشت است؛ گذشت از همه چیز، از همه ی خواسته ها، از همه ی مطلوب ها — تبدیل کنیم به یک نقطه ی سبک، به یک جایی که یک تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و ندانند چه می گویند، درست است؟ این شکر این نعمت است که خدا به شما داده؟»^۲

عمل به توصیه و انتخاب احسن

برای این که این مطلب درست بیان شود ابتدا باید یادآوری نماییم که ولی فقیه نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و عمل به توصیه ایشان مانند عمل به توصیه امام زمان است.

به عنوان مثال حضرت مسلم علیه السلام نائب و فرستاده امام حسین علیه السلام به کوفه بود. اگر ایشان توصیه ای به مردم کوفه می نمود، زیباتر این بود که مردم به این توصیه به احترام امام حسین علیه السلام عمل نمایند. یعنی حتی اگر برهنه شدن در عزاداری کار خوبی بود (که نیست) بهتر این است که کار خوب تر را که برهنه نشدن است برگزینیم.

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) -

مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۷۹۸۸>

۲. فرمایشات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام ۹۴/۱/۲۰

قرآن کریم انسان‌های خردمند را کسانی می‌داند که عمل احسن (خوب‌ترین) را انتخاب می‌کنند، نه عمل حسن (خوب‌تر) را.

« وَ الَّذِينَ اجْتَنَّبُوا الطَّاعُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادَ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ - و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آن‌هاست؛ پس بندگان مرا بشارت ده! * همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند آنان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده، و آن‌ها خردمندانند. » (زمر/۱۷ و ۱۸)

از طرفی یکی از مهم‌ترین موضوعات آزمایش الهی، انتخاب بین خوب و بد نیست، بلکه انتخاب بین خوب‌تر و خوب‌ترین است.

« إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا - ما آن‌چه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آن‌ها را بیازماییم که کدامین‌شان بهتر عمل می‌کنند! » (کهف/۷)

حرکت روی مرز گناه و قبولی

باید توجه داشت که حد و مرز گناه بودن یا نبودن یک عمل، مانند نمره‌ی ۱۰ به عنوان مرز قبولی یا رد شدن در یک درس می‌ماند! یعنی اگر در عملی بحث گناه بودن یا نبودن پیش آمد، اگر گناه بود یعنی زیر ۱۰ گرفته‌ایم و اگر گناه نبود با ۱۰ قبول شده‌ایم.

علما همیشه حداقل کلاس دین‌داری را با فتاوا مشخص می‌کنند، تا بدانیم نمره ۱۰ کجاست؟! تا ببینیم قبول می‌شویم یا نه؟! اما وادی دینداری خیلی گسترده‌تر از ماندن روی نمره ۱۰ و ماندن در مرز قبولی و گناه بودن یا نبودن است.

برای مثال؛ در شرع مقدس اسلام برای صحت نماز شرایطی بیان شده است، بی‌شک هر کسی که این شرایط را رعایت کند، نمازش صحیح است و مرتکب گناهی نشده است، اما بدون شک نماز گزار برای دست یافتن به ارزش معنوی نماز باید

مجموعه ای از آداب ظاهری و باطنی را رعایت کند و همچنین از عواملی که او را از خضوع و خشوع بازمی‌دارد، اجتناب ورزد، وگرنه نمازش صحیح است ولی قبول نیست. به عنوان مثال؛ صحبت کردن با محتوای سالم با نامحرم اگر مفسده‌ای در کار نباشد و بیم مفسده نباشد، گناه نیست. در این جا انسان قبول شده است، اما تنها با نمره ی ۱۰! زیرا همه می‌دانیم که حتی صحبت سالم با نامحرم تبعاتی به همراه دارد و از تعالی روح جلوگیری می‌کند.

حالا اگر از همین صحبتِ سالم غیر ضروری که گناه نیست اما تبعات دارد دوری شود، انسان در این کلاس دین‌داری و رستگاری به جای نمره ۱۰، نمره‌ای بالاتر اخذ می‌کند. یا این که اگر مرد در نماز فقط عورت خود را بپوشاند و بقیه بدنش برهنه باشد و نماز بخواند، نمازش صحیح است، اما آیا چنین نمازی شایسته است؟ یا به آن توصیه شده؟ درباره عزاداری نیز ممکن است بسیاری از رفتارها و صورت‌ها به خودی خود حرام نباشند، ولی مسلم است که ترویج این روش‌ها موجب می‌شود عزاداری‌ها از اهداف خود دور شود و روحیه حاکم بر عزاداری، در راستای ارتقاء سطح معنوی افراد و آگاهی‌های جامعه نباشد.

خداوند، گناه نکردن را نازل‌ترین سطح کلاس دین‌داری و رستگاری قرار داده است. اما فرد مؤمن که مشتاق تعالی و اعتلای روحی است، روی حداقل توقف نمی‌کند. از طرفی ماندن بر روی نمره ۱۰ خطر شدید سقوط به نمره مردودی را در پی دارد. مورد تأیید قرار گرفتن اعمال در دستگاه اهل بیت حداقل است، باید اعمال علاوه بر تأیید، مورد تشویق اهل بیت قرار بگیرد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ» — آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می‌ریزد؟» (توبه/۱۰۹)

نُخْت شدن

حداقل استفاده از مطالب این است که «نُخْت شدن» در عزاداری اگر گناه نباشد، ثوابی هم ندارد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند:
 «كَفَى بِالرَّجُلِ غَفْلَةً أَنْ يُضَيِّعَ عُمُرَهُ فِيمَا لَا يُنْجِيهِ -

برای غفلت مرد همین کافی است که عمر خود را در چیزی که سبب نجات او نیست ضایع کند.»^۲

بعد از آن که این همه دلایل برای نُخْت نشدن در عزاداری آورده شد، اگر هنوز هم کسی بدون داشتن دلیل اصرار بر انجام این عمل داشته باشد، اگر چه شاید مرتکب گناه نشود، اما به تدریج در دین خود سست خواهد شد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ عَانَدَ الْحَقِّ لَزِمَهُ الْوَهْنُ - آن کس که با حق ستیزه کند به سستی گراید.»^۳

متأسفانه برخی در این امر رو به لجاجت آورده و حاضر نیستند هیچ دلیل و صحبتی را بپذیرند:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «اللَّجَاجَةُ تَسُلُّ الرَّأْيَ - لجاجت تدبیر را سست می‌کند.»^۴

و هنگامی که انسان در اعتقادات خود سست شد، بدون تفکر از رسوم و عادات مردم پیروی می‌نماید.

۱. سست و بی‌حال

۲. غررالحکم ص ۱۶۰ شماره ۳۰۶۳

۳. تحف العقول ص ۹۵

۴. نهج البلاغة (للصباحی صالح) ص ۵۰۱

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مروی است که: «هر که یقین او سست و اعتقاد او ضعیف باشد، خود را راضی می‌کند که متوسل به اسباب و وسایط شود و پیروی رسوم و عادات و گفتگوهای مردم نماید.»^۱

و این موضوع ممکن است فرد را به سوی انکار بکشد.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محسن قرائتی در ذیل آیات زیر که می‌فرماید:

«أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ * وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكذِّبُونَ - آیا این سخن را

سست و کوچک می‌شمردید، * و به جای شکر روزی‌هایی که به شما داده شده آن را تکذیب می‌کنید؟!» (واقعه/۸۱ و ۸۲)

در قسمت پیام‌های آیه نوشته است: «سهل انگاری، سستی و سازش در دین، به

تدریج انسان را به انکار وادار می‌کند.»^۲

شیعه‌ی مؤمن باید به دنبال اهل بیت علیهم السلام حرکت کند و نظر آنان را توسط کارشناسان دین بیابد و نه از آن‌ها جلو بیفتد و نه عقب بماند. زیرا هر کس بخواهد جلوتر از ایشان حرکت کند، بی دین (مارق) و هر کس عقب بماند، هلاک شده (زاهق) است.

این مطلب را در صلوات شعبانیه می‌خوانیم:

الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمَتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ * وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ - هر کس از شما اهل

بیت جلو بیفتد بی دین است و هر کس عقب بماند هلاک می‌شود و هر کس همراه شما باشد، به حق و حقیقت می‌رسد.

همین مطلب را در زیارت جامعه کبیره خطاب به آن بزرگواران می‌گوییم:

فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ * وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ * وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ

۱. معراج السعادة ج ۲ ص ۱۱۳ - متن عربی حدیث به این شرح است: «مَنْ ضَعْفَ يَقِينُهُ تَعَلَّقَ بِالْأَسْبَابِ وَ رَخَّصَ لِنَفْسِهِ بِذَلِكَ وَ اتَّبَعَ الْعَادَاتِ وَ أَقَاوِيلَ النَّاسِ بِغَيْرِ حَقِيقَةٍ» مصباح الشریعة، ص ۱۷۸

۲. تفسیر نور، ج ۹، ص ۴۴۴